



# خوددیاوران

امروزه حدود ۱۳۰۰ میلیون نفر در شهرهای جهان سوم زندگی می‌کنند که بیشتر از مجموع جمعیت شهری اروپا، آمریکا، شمالی و ژاپن است. طی ده سال آینده این رقم احتمالاً حدود ۵۰۰ میلیون نفر افزایش خواهد یافت. در حالی که حکومتها و مؤسسات کمک کننده به بحث دربارهٔ استراتژیها می‌پردازند، به جمعیت شهرهایی از قبیل کراچی و بمبئی سالانه ۳۰۰/۰۰۰ نفر اضافه می‌شود، شهر سائوپائولو سالانه ۴۰۰/۰۰۰ نفر و حوزه کلان شهری مکزیکوسیتی سالانه بیش از ۵۰۰/۰۰۰ نفر افزایش جمعیت دارند. در این دهه دهها هزار مرکز شهری کوچک با رشد سریع جمعیت مواجه خواهند شد.

چهرهٔ این شهرها علی‌رغم تفاوت‌های عظیم میان جوامع، فرهنگها و اقتصادهایی که آنها را برپا نگه داشته و شکل می‌دهند، امروزه بیش از عصر استعمار که در آن پایه‌گذاری شدند به یکدیگر شباهت می‌یابد و این در حالی است که در بسیاری از آنها زندگی هنوز به وسیلهٔ مسیرات نیرومند استعماری شکل می‌گیرد. این میراث در قالب قوانین، نهادها، الگوهای مالکیت زمین، سیستمهای اجاره‌داری و ساختارهای عقب ماندهٔ حکومت محلی راه خود را می‌گشاید. از دههٔ ۱۹۵۰ ترکیب رشد سریع جمعیت کم درآمد و کمبود سرمایه‌گذاری دولت در ساختمان و نگهداری ابنیهٔ موجود، شکلهایی شهری پدید آورده است که به

نوشتهٔ جورج هاردوی  
و دیوید ساترز وایت

خانواده‌های  
کم درآمد جهان  
سوم برای فراهم  
کردن سرپناهی  
برای خود غالباً باید  
قانون را در دست  
خود داشته باشند.

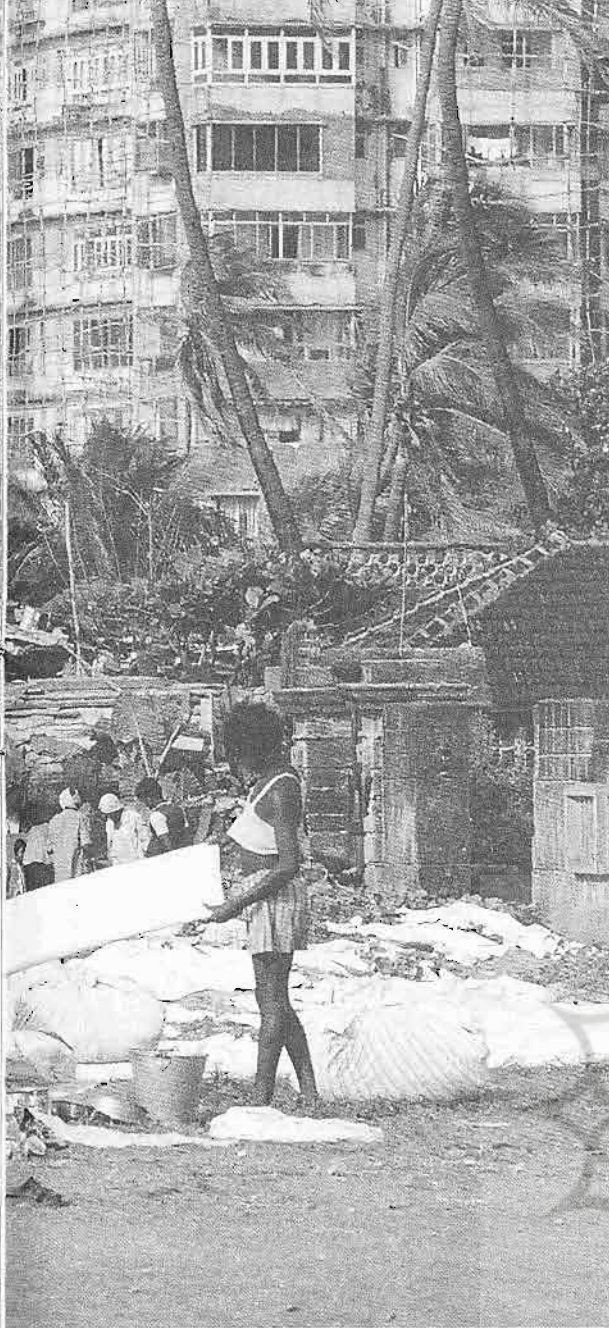


طور فزاینده‌ای به یکدیگر شباهت دارند. شهرهای جهان سوم در قاره‌های گوناگون از ویژگیهای مشترک زیادی برخوردارند که از جمله شدت زندگی خیابانی و بهره‌برداری فشرده از فضا در بخشهای مرکزی و در بیشتر نواحی مسکونی است.

بیشتر مردمی که در شهرهای جهان سوم زندگی می‌کنند از عهده تهیه یک خانه یا آپارتمان متعارف بر نمی‌آیند. آنها سرپناهی در مناطق غیر مجاز و غیر قانونی می‌خرند، می‌سازند یا اجاره می‌کنند. این مناطق، نواحی دارای معماری رسمی و قانونی را در احاطه خود داشته و پیوسته به نواحی دورتر از مراکز شهری گسترش می‌یابند. بسیاری از اعمال این مردم در ارتباط با سرپناشان، کارشان و حتی غذا و آبی که مصرف می‌کنند و خدمات پزشکی که از آن بهره می‌برند ناقص قوانین و مقررات است. فراهم آوردن قانونی این امکانات از عهده آنها خارج است.

بیشتر سکونتگاههای غیر قانونی به وسیله مردمی که در آنها زندگی می‌کنند ساخته شده‌اند. همه آنها خاک آلود، پر تراکم، فاقد درخت با جاده‌هایی فاقد پوشش آسفالت، فاقد آب آشامیدنی، فاضلاب و حتی مدرسه و مراکز اولیه بهداشتی هستند. سکونتگاههایی که ناظران خارجی احتمالاً آنها را

بایین، سوپر باریو، مدافع نقابدار  
قربانیان زمین لرزه ۱۹۸۵  
مکزیکوسیتی که بیش از  
۳۰۰،۰۰۰ نفر بی‌خانمان به جا  
نهاد. این شخصیت جالب، قهرمان  
خود گمارده مساتل، مردمی،  
تظاهراتی را که به حمایت از  
بی‌خانه‌ها برای دریافت حق  
مسکن برپا می‌شود رهبری  
می‌کند.



زورآباد و زاغه‌نشین می‌خوانند به جمعیتی میان یک تا دو سوم ساکنان بیشتر شهرهای جهان سوم سرپناه و ماوا می‌دهند.

### استراتژیهای دولتی و نیازهای مردم

تا همین اواخر تغییرات در شهرها معمولاً به وسیله مردان و تکنوکراتهای نیرومندی انجام می‌گرفت که اقدامات آنها مورد پشتیبانی تنها اقلیت کوچکی از جامعه قرار داشت. بسیاری از فرضیهایی که برای توجیه تصمیمات این حاکمان مورد استفاده قرار می‌گرفت به نیازهای جامعه ربطی نداشتند، اما وانمود می‌شد که از دیدگاه دراز مدتی که توسعه آتی ملی و شهری را در نظر دارد منشأ می‌گیرند. این حاکمان شکل شهر را دگرگون می‌کردند و به بیرون ریختن دهها هزار خانوار از خانه‌هایشان برای «زیبا کردن» محلاتی که بیشتر به چشم می‌آمدند فرمان می‌دادند. نمونه‌های جدایی میان نیازهای اساسی یک جامعه و استراتژیهای پر زرق و برق حاکمان در تاریخ شهرگرایی فراوان است.

بسیاری از «شهرهای جدید» جهان سوم طبق هنجارها و







## چرا مشکلات شهری نیاز به توجه بیشتری دارند

اگر وضعیت فعلی ادامه یابد اکثریت شهرنشینان جهان سومی با فقر و محرومیت دست به گریبان خواهند بود و میلیونها انسان هر سال پیش از رسیدن به سن بلوغ خواهند مرد و صدها میلیون نفر همچنان دچار بیماری و ناتوانی خواهند بود که با هزینه اندکی قابل جلوگیری است. صدها میلیون انسان در صورتی که قدرت مالی لازم برای تهیه یک خانه و بهبود شرایط زندگی خود را نداشته باشند و نتوانند به عنوان شهروند تمام عیار در زندگی اجتماعی و اقتصادی ملتها مشارکت نمایند، از شأن و مقام انسانی محروم خواهند بود.

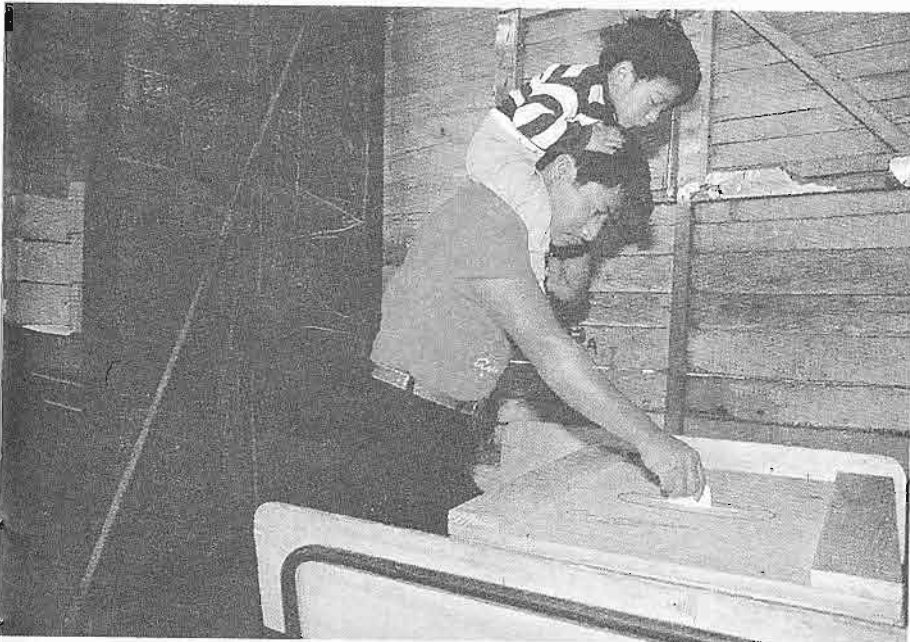
مشکلات شهری همچنین به دلیل اینکه شهرنشینان نقشی حیاتی در آینده سیاسی ملتهای جهان سوم ایفا خواهند کرد سزاوار توجه بیشتر است. صدها میلیون شهروند خواستار مشارکت کامل در حیات سیاسی کشورهاشان هستند. انتخاب میان دمکراسی و دیکتاتوری به میزان زیادی در شهرها انجام میگیرد.

مدهای غربی برنامه ریزی شده و به موازات شهرهای قدیمی موجود که تاریخ طولانی دارند ساخته شده اند. آنها از فرهنگ و جامعه ای که در آن به وجود آمده اند بهره کمی برگرفته اند و اعتراف صریح به جدا کردن ثروتمندان و قدرتمندان از اکثریت فقیر به عنوان هدف ایجاد این شهرها، اصول نخبه گرایانه ای را که این شهرها براساس آنها پدید آمده اند فاش می سازد.

نیازهای مردم فقیر چه در شهرهای برنامه ریزی شده و چه بی برنامه و چه در شهرهای جدید یا در طرحهای گسترش شهرهای قدیمی، تقریباً همیشه نادیده گرفته شده است. هر چند غالباً مطرح می شود که سیاستها و هزینه های حکومتها و مؤسسات کمک دهنده «رنگ و بوی شهری» دارند، اما فقرای شهر بسیار کم از آنها بهره مند می شوند. با افزایش قیمت غذا و دارو که بسیار سریعتر از درآمدها پیش می رفت، سرقتهای شبانه و غارت سوپرمارکتها و داروخانه ها نیز به پدیده ای رایج تبدیل شد. معمولاً رکود و بحران اقتصادی دلایلی هستند که برای توجه بی توجهی به نیازهای اساسی فقرا عنوان می شوند. در دهه های نخست قرن بیستم نیز گفته می شد که تأمین این هدف باید تا تأمین کارایی بیشتر اقتصاد به تعویق افتد.

پالا، بلوکهای آبارتمانی مدرن در کنار زاغه ها و سربناهای موقتی در بمبئی (هند).





مراکز شهری کارکردهای اقتصادی مهمی دارند، هر چند این کارکردها غالباً مورد سوء تعبیر قرار می‌گیرند. نیروی کار و کمپانیهای شهری سهم قابل توجهی در «تولید ناخالص داخلی» دارند که معمولاً بسی از نسبت جمعیت شهری به کل جمعیت فراتر می‌رود. بیشتر پویایی این اقتصاد بر چیزی که اقتصاد «غیر رسمی» یا «سیاه» نامیده می‌شود متکی است. فعالیتهای غیر رسمی تنها منبع درآمد دهها میلیون خانوار شهری در آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین را تشکیل می‌دهد.

یکی از دلایل اینکه چرا سیاستهای حکومتها برای کنترل رشد شهری و بهبود شرایط زندگی به چنین نتایج ضعیفی منتهی شده، آن است که حکومتها چگونگی کارکرد شهرها، چگونگی کسب درآمد افراد و خانواده‌های نیازمند، چگونگی گذران اوقات گروههای مختلف اجتماعی و نقش سازمانهای خانواده و محلات را به خوبی درک نمی‌کنند. اگر بیشتر بودجه حکومتها همچنان به جای تأمین تجهیزات و تدارکات اساسی بیمارستانها و مراکز بهداشتی صرف گسترش دیوانسالاری شود کمکی به نجات زندگی انسانها و بهبود بهداشت آنها نخواهد شد.

اگر قرار باشد که حکومتها شیوه‌های جدیدی در پیش گیرند، نیازهای اساسی را می‌توان با هزینه نسبتاً پائینی تأمین کرد. آب آشامیدنی، اقدامات بهداشتی، فاضلاب و جمع‌آوری زباله، پوشش خیابانی، سیستمهای مراقبت بهداشتی و نظایر آنها را در صورتی که از دانش، مهارتها و منابع محلی استفاده شود و سازمانهای شهرداری در مشارکت با گروههای کسم درآمد و تشکیلات محلات این گروهها به کار پردازند با هزینه کمی قابل تأمین است. تخصیص منابع بیشتر به تأمین نیازهای گروههای فقیرتر ضرورتاً به معنای اختصاص دادن بودجه‌های مناطق روستایی به حوزه‌های شهری نبوده، بلکه به معنای بهره‌برداری بهتر از منابع موجود است.

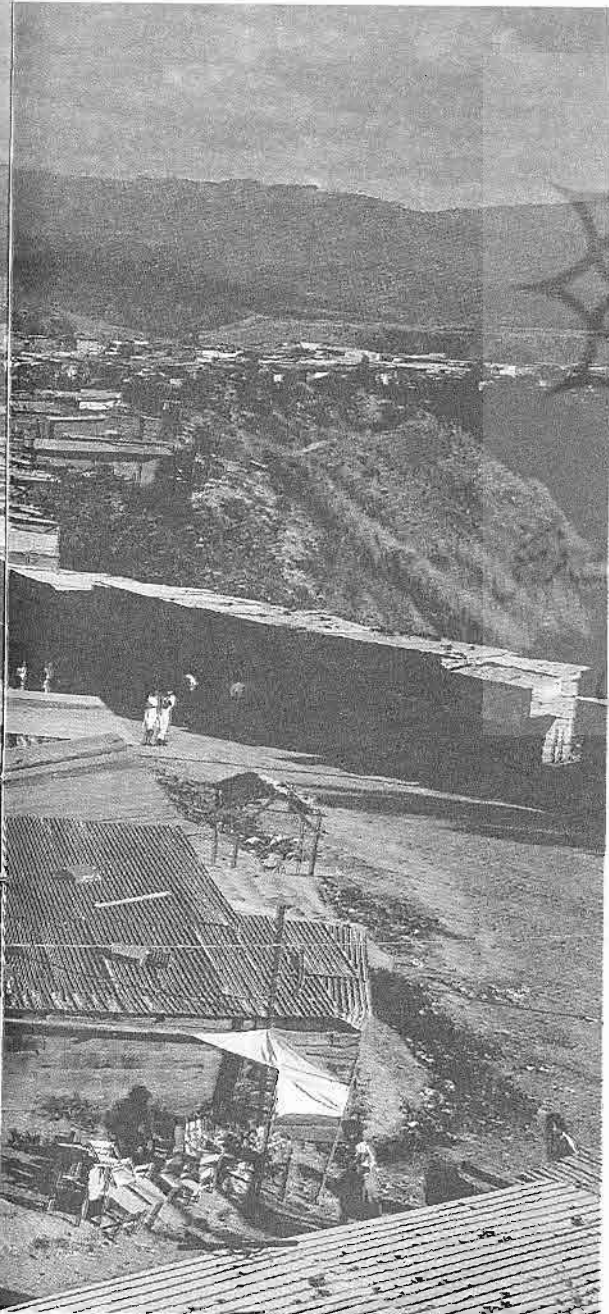
## شهر فردا

شهرهای آینده جهان سوم از شهرهایی که تا به حال شناخته‌ایم بسیار متفاوت خواهند بود. آنها نه فقط از لحاظ اندازه، بلکه همچنین از لحاظ ارزشهای فرهنگی، قوانین اداره و ساختارهای سنی و کاری تفاوت خواهند داشت. حداقل در دو دهه آینده عملاً شمار زیادی از کودکان و نوجوانان بخشی از جمعیت تمام این کشورها را تشکیل خواهند داد. این امر آمیزه‌ای از تصادم و همبستگی، آرزوها و ناکامیها را در زندگی شهری پدید خواهد آورد که تنها یک روش جدید در رهبری و حکومت می‌تواند آنها را به سمت ایجاد محیط عادلانه‌تری برای زندگی همگان هدایت کند.

نیاز آشکاری برای ایجاد اشکال جدید حکومت محلی در متن روندهای تازه تمرکززدایی و گسترش دموکراسی به چشم می‌خورد. برای مناطق شهری بزرگتر همچنین به حکومتهای کلان‌شهری یا انواع جدید دولتهای منطقه شهری نیاز است. تجدید نظر در محدوده قانون‌گذاری فعلی که صدها میلیون زاغه‌نشین، کارگر و سوداگر غیر رسمی را خارج از شمول قانون قرار می‌دهد باید در اولویت قرار گیرد.

چب، در زاغه‌نشین مزیکتال، ۱۳ کیلومتری گواتمالاسیتی، ۲۵۰۰۰ خانواده روستایی در کلبه‌هایی که با ورق شیروانی و مقوا ساخته شده‌اند زندگی می‌کنند.

بالا، انتخابات نمایندگانی برای انجمن محله که مسئول دنبال کردن کار قانونی کردن زمینهای تصرف شده در کولونیا دو لا نووا اسپرانزا پرجمعیت‌ترین بخش مزیکتال است.



جورج هاردوی معمار و برنامه‌ریز شهری آرژانتینی، رئیس انستیتیو بین‌المللی محیط زیست و توسعه در بوئنوس آیرس و کمیسیون ملی یادمانهای تاریخی در آرژانتین، درباره موضوعات شهری تاریخی و معاصر نوشته‌های زیادی دارد.

دیوید ساترزوایت انگلیسی، تاریخدان و برنامه‌ریز توسعه که با انستیتیو بین‌المللی محیط زیست در بوئنوس آیرس و در لندن کار می‌کند. او به اتفاق جورج هاردوی چندین کتاب نوشته است، از جمله: زاغه‌نشینان: زندگی در شهر جهان سوم (انتشارات آرت اسکان، لندن، ۱۹۸۹) و فقرا جوان می‌سیرند: مسکن و تندرستی در شهرهای جهان سوم (ویرایش با سندی کایرن کراس، آرت اسکان، زیر چاپ).



سیاستگذاران باید بپذیرند که اولیتهای شهروندان کم - درآمد باید جهت پروژه‌های آنها را تعیین کند و این پروژه‌ها باید تحت نظارت همین گروه اجرا شوند. برای آنکه حکومت محلی بتواند مستقیماً به خواسته‌های گروه‌های کم درآمد پاسخ دهد باید قدرت، منابع و نیروهای آموزش دیده در یک چارچوب جدید همکاری تقسیم و تمرکززدایی شوند. مسلم است که برای این منظور شهر و دولتهای ملی باید یک چارچوب وسیع برنامه‌ریزی فراهم کنند. چنین چارچوبی نه به مفهوم کاهش نقش حکومت، بلکه نقشی جدید برای آن است. نقشی متفاوت، پیشرفته‌تر، فعالتر، غیر متمرکزتر و عام‌تر. اقدامات ناهماهنگ دهها حکومت محلی و صدها سازمان محلی در برنامه‌ریزی حمل و نقل و سرمایه‌گذاریهای عمده زیرساختی هر شهری هرج و مرج پدید می‌آورند. سالهای دهه ۱۹۹۰ با مباحثات جهانی در مورد مسائل

مشترک و عمومی آغاز می‌شوند. توسعه شهرها با اولویت قابل شدن برای حفاظت از نیازهای مشترک جهانی بیشترین توجه را به خود جلب می‌کند. این مباحثات با خاتمه جنگ سرد و انجام مذاکرات مشروع درباره خلع سلاح هسته‌ای تقویت می‌شوند. اما در مناطقی که توده ساکنان آنها در فقر زندگی می‌کنند حضور صلح و آرامش تا کی امکان‌پذیر خواهد بود و از وخامت محیط زیست تا کی می‌توان جلوگیری کرد؟ بیایید امیدوار باشیم که دهه نود با حذف رنجها و بیماریهایی که به سهولت قابل مقابله و پیشگیری‌اند و با اعاده شأن و مقام انسانی به زندگی میلیون‌ها تنی که در فقر زندگی می‌کنند، توجه خود را بر نجات جان انسانها متمرکز خواهد کرد. این باید نخستین هدف رشد و توسعه باشد.

ترجمه محمد تقی‌زاده

